

# نجمه

۱۳۲۹ ۲

شماره ۱۸ | صفر الحظیر ۱۳۲۹

## فهرست مندرجات

- ۱ خطابه مبارک حضرت عبدالقادر جیلانی در مسئله حیات جمادی و روحانی
- ۲ لوح مبارک حضرت عبدالقادر که در جریان کربلا کائنات چاپ شده است
- ۳ امرانگه در آمریکا
- ۴ نطق مبارک حضرت عبدالقادر در معرفی آقا سید زوی الله خان و رفقاء
- ۵ مکتوب از لندن
- ۶ نجمه باختر
- ۷ تلغراف مبارک از پاریس
- ۸ لوح مبارک از برای بقی از امامان ائمه در آمریکا
- ۹ برهان جامع

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

PAGE 7  
VOL. III  
No. 18  
سالی دوازدهم قرن  
ماه سلطان ۱۳۱۱

# نخبه‌الخبیر

۱۳۱۹

صفحه اول  
جلد سوم  
شماره هجده  
قیمت اشتراك  
شکافتی قزوین ۱۹۱۳

این خبریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایتاً از ادبی در مسائل گوناگون بشر و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین غوی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک اخبارات قبول و نشر خواهد گردید.

## حیات جسمانی و روحانی

خطابه مبارک در مسئله حیات جسمانی و روحانی در بیت مبارک در کرجه ۷۸، ۷۹، ۸۰ در شهر نیویورک در شب یکشنبه ۷ جوری ۱۹۱۳ ساعت ۸ و نیم که در حضور جمعی از یار و اغیار بیان فرمودند: -

خوش آمدید خوش آمدید انسان دو حیات دارد یک حیات جسمانی یک حیات روحانی حیات جسمانی انسان حیات حیوانی است ملاحظه می کنید که حیات جسمانی انسان عبارت از خوردن و خوابیدن و پوشیدن و راحت کردن و گردیدن و آسایش محسوسه را نظیر کائنات سائر از انسان و آفتاب و ماه و جبال و دریاها و چشمه ها و جنگل ها دیدن است این حیات حیات حیوانی است مشهور و واضح است که حیوان با انسان در معیشت جسمانی مشترک است یک چنین دیگر هست و آن این است که حیوان در معیشت جسمانی خود راحت است ولی انسان در معیشت جسمانی خود در تعب ملاحظه کنید که جمیع حیوانات که در این صحرای هستند در کوه ها هستند در دریاها

هستند اینها بسهولت معیشت جسمانی خود در این بدون مشقت و تعب بدست می آورند این مرغها در این صحرای نه کسی نه صنعی نه تجاری نه فلاحی بهیچ وجه من الوجوه حقوق ندارند هوای بسیار لطیفی استشاق می کنند و بر اعلا شاخه های درختان سبز و خرم کانه و آشیانه می نمایند و از این دانه های که موجود در این صحرای تناول می کنند جمیع این خرمنها ثروت آنهاست بجز آنکه گرسنه می شوند دانه حاضر بعد از خوردن دانه ها بر اعلا شاخه های درخت در نهایت راحت و آسایش بدون زحمت و مشقت راحت و آسایش مینمایند و هم چنین سائر حیوانات ککن انسان بجهت معیشت جسمانی خود باید تحمل مشقات عظیمه کند شب و روز آرام نگیرد با فلاحت کند با صنعت نماید یا به تجارت مشغول گردد یا در این معادن شب و روز کار کند یا در نهایت زحمت و مشقت با اینطرف و آنطرف سفر کند و زیر زمین و روی زمین کار نماید تا آنکه معیشت جسمانی او مستر گردد و حیوان این زحمات را ندارد و با انسان در معیشت جسمانی شریک است

و با وجود این راحت نتیجه فی از این محبت است  
 انها نیست و اگر صد سال زندگی کند از حیث جسمانی  
 عاقبت ابدان نتیجه نیست فکر کنید به بیند آیا هیچ  
 نتیجه در حیات جسمانی هست اینهمه میلیون ها  
 نفوس که از این عالم رفتند آیا هیچ دیدید که از حیات  
 جسمانی خود نتیجه گیرند جمیع حیاتشان هدیه رفت  
 زحمتشان هدیه رفت مشقاتشان هدیه رفت  
 صناعتشان هدیه رفت تجارتشان هدیه رفت  
 و وقت زقرن از این عالم در کف چیزی نداشتند  
 نتیجه نگرفتند !

اما حیات روحانی انسان حیات است !  
 حیات است که عامل نسانی بان روشن حیات است  
 که انسان از حیران ممتاز شود حیات است که  
 ابدی است سرمدیت پر توفیق الهیت !  
 حیات روحانی انسان سبب حصول عزت ابدی است  
 حیات روحانی انسان سبب تقرب الی الله است  
 حیات روحانی انسان سبب دخول در ملکوت  
 الله است حیات روحانی انسان سبب حصول  
 فضائل کلیه است حیات روحانی انسان سبب  
 روشنائی عالم بشر است ملاحظه کنید نفوس  
 را که حیات روحانی شان مکمل بود از برای  
 انها فانی نبود اضمحلالی نبود و از زندگی کافی  
 نتایجی گرفتند و ثمره بردند آن ثمره چه چیز است  
 آن قبرست الهیه است آن حیات ابدیه است  
 آن نورانیت سرمدیه است آن حیات بقا است  
 آن حیات ثبات است آن حیات روشنائی است  
 و سایر حالات انسانی حق چون در نقطه تراب  
 ملاحظه کنیم نفوسیکه حیاتشان جسمانی بود و از  
 حیات روحانی نصیبی نگرفتند آثارشان کلی محو  
 شد نه ذکری نه اثری نه ثمری نه صیتی حتی در

نقطه تراب نه قبری نه اثری نهایت ابایی  
 چند قبورشان معمر بود بعد ظهور شد و رفت  
 لکن نفوسیکه حیات روحانی داشتند اینها در  
 ملکوت الی الابد مانند ستاره درخشانند عزت  
 ابدیه دارند در محفل تجلی الهی هستند از مانند  
 آسمانی مزرقند از مشاهده جمال الهی مستفیضند  
 عزت ابدیه از برای انهاست در جمیع مراتب الهی حتی  
 در عالم ناسوت ملاحظه کنید مینید آثار  
 اینها باقی است ذکر اینها باقی است اخلاق اینها  
 باقی است شد شده هزار سال یاد و هزار  
 سال پیش نفسی بوده و منسوب به عتبہ الریه  
 بوده مؤمن بوده و مستقیم بر امر الله بوده الی  
 الآن آثار اینها باقی است الی الآن بزرگواران خیرین  
 و مبررات می شود الی الآن بنام انها مدارج تکمیل  
 می گردد و معابدنا سبب می شود الی الآن بنام  
 انها شفاخانه های تربیتی شود شد حواریون  
 حضرت مسیح حیات جسمانی بطریق حیات ماهی گیری  
 بود دیگر حیات یک ماهی گیری معلوم است چه  
 چیز میشود اما حیات روحانیش بنقش مسیح  
 در نهایت روشنائی که حتی در نقطه تراب آثار  
 او باقی است و امیر اطور رومیان بروی بان عظمت  
 نه اثری و نه ثمری نه بروزی و نه ذکری و نه ظهوری  
 پس معلوم شد که اصل حیات انسان حیات  
 روحانی است این حیات روحانی انسان نتیجه  
 حیات این حیات روحانی انسان باقی است  
 این حیات روحانی انسان ابدی است این حیات  
 روحانی انسان سرمدی است !

الحمد لله تعالی حضرت بها، الله از برای  
 شما این حیات روحانی میسر است این موهبت  
 کبری جلوه نموده این شمع روشن افروخته شد

جمع نفوسیکه ملاحظه می کنید در روی زمین  
 از ملوک گرفته تا ملوک حیات آنان نتیجه نه  
 ثمری نه اثری نه !  
 عنقریب ملاحظه می کنید که بکلی محو شده اند  
 و از این عالم رفته اند نهایتش پنجاه سال زندگی  
 نمایند و از این حیات نه اثری نه ثمری نه نتیجه تر  
 کن شما الحمد لله بعنایت حضرت بهارالله حیات  
 روحانی یافتید و نورانیت ملکوت روشنید و از  
 فیض ابدی استفاضه مینمایید لهذا شما ابدی  
 هستید سرمدی هستید باقی هستید روشن  
 هستید و از حیات شما تا بیخ عظیمه حاصل حتی هر  
 نقطه تراب آثار شما باقی و برقرار فراموش نخواهد  
 شد و در عوالم الهی مثل آفتاب روشن جاریست و  
 شما واضح و مشهود است در محفل تجلی الهی الابد  
 حاضرید و در افق کمال و جمال متغرق خواهید بود  
 شکر کند !

سو نمایان گردد ملاحظه کنید که حضرت  
 آدم و سایرین در جنت بودند بجز آنکه در  
 جنت عدن در میان حضرت کلام و شیطان نزاعی  
 حاصل گشت جمیع از جنت خارج شدند تا آنکه نوع  
 انسان عبرت گیرد و آنگاه شود که نزاع و جدال  
 سب جوان است حتی با شیطان لهذا در این عصر  
 نورانی بموجب تعالیم الهی حتی با شیطان نزاع و جدال  
 جائز نه سبحان الله با ظهور این برهان چگونه  
 انسان عاقل است باز می سپی عالم انسان از  
 کیران تا کیران جنگ و نزاع است جنگ است بین  
 ادیان جنگ است بین اقوام جنگ است بین وطن  
 جنگ است بین سروران چو خوش بود اگر این برهان  
 سیاه از افق عالم تشریحی میشد و نور حقیقت  
 میدرخشید غبار حجب و قنالی می نشست و نسیم  
 غایت از مهتاب صبح و سلام میوزید جهان جوان دیگر  
 میشد و روی زمین استفاضه از نور زمین میگردد  
 اگر ابدی هست از الطاف بقیع جداست که  
 عون و عنایت برسد و جنگ و شین و تلخ  
 تیغ خونریز بتبدل بشهد دوستی و آشتی و راستی  
 و درستی گردد کامها شهد انگیز گردد و  
 مشامها مشکبیر شود و این سنه میلاد را  
 سعادت صلح جدید فرماید و این انجمن محترم را  
 بر صلی عادلانه و عهد و پیمانی منصفانه  
 متوقف و مؤید فرماید تا الی الابد مبارک باشد  
 (امضا) عبدالبهاء عباس

# لَوْحٌ مِّبْرَکٌ

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء که در جریده کریمین  
 کامن ولث تاریخ ۱ جانوری چاپ شده است

فارین محترم جریده کریمین کامن ولث :-  
 هو الله

خداوند علیمان عالم انسان را جنت عدن خلق  
 فرموده اگر صلح و سلام و محبت و وفا چنانکه باید  
 و شاید باید جنت اندم جنت گردد و جمیع نعمای  
 الهی فراوان و سرور و طرب و پایان شود و فضل  
 عالم انسانی آشکار و عیان و بر تو شمر حقیقت از هر

# اَمْرٌ لِلدِّينِ اَمْرٌ لِكَا

امسال سالی بسیار عجیبی است برکت آسمانی من کل  
 الوجوه امریکارا احاطه نموده حضرت مرکزینان

عبدالبهاء شریف آورده و دلها را زنده فرمودند  
اجای الهی عدویشان زیاد شد و امر الله روز بروز  
در ترقیات حتی هوای امریکا خیلی بهتر شد است

# ورق آقا میرزا قافا

نطق ببارك حضرت عبدالبهاء صبيته مبارك  
بنوبورك رفته جمعه ۳۱ ماه قی ۱۹۱۲ در معرفت جناب آقا  
میرزا ولی الله خان و رقاصه حضور نفوس کثیره از یار و اصحاب

امروز مجوام اقا میرزا ولی الله خان را بشما معرفی کنم  
این جوان پسر آقا میرزا ورقاء است میرزا ورقاء پسر حاجی  
ملا مهدی است حاجی ملا مهدی در نزد مؤمن شد  
صدقات شدیده قبول کرد اخیت هادید چوبها  
خورد تا اینکه مجبور برین شد که از وطن خود خارج شود  
آمد روی عکا در این راه بسیار طولانی که تقریباً چند  
مقابل از اینجا تا شبکا خواست به تعب و بدبیا گرفتار شد  
بعضی راه را پاید و بعضی راه سواره روی عکا آمد و  
توی راه وقتی که پیاده می آمد روی عکا همه را ساجات  
می خواند گریه و زاری میکرد و بر مظلومیت جمال باریکانه  
و حنون مینمود تا آنکه بمنزعه رسید نزدیک عکا در  
انجا وفات فرمود در نهایت انقطاع در نهایت انجذاب  
در نهایت توجه در نهایت اشتعال قبر او را من بیت  
خود ساختم و الا آن در منزعه است پسرش آقا  
میرزا ورقاء از بلایت جوانی بلکه از سن طفولیت در  
این امر داخل شد مرفق و موید بود توجه بملکوت  
ابهی داشت و در نهایت فصاحت و بلاغت بود  
زبان او قاطع بود و دلیلش واضح هیچ کس نمی توانست  
مقاومت کند با هر کس صحبت مینمود غالب می شد  
و در شعر و انشاء و حیدایران بود مشهور این عصر

بود حتی ظل السلطان که قاتل احناء بود  
نزد من شهادت داد که میرزا ورقاء اول  
شخصی ایران بود و در نهایت کامل بعد این  
میرزا ورقا بعکا آمد با برادرش میرزا حسین  
علی از راه های دور پیاده آمدند تا وارد  
عکا شدند و بشرف لقای مبارک شرف شد  
این سفر اول بود بعد جملة ببارك امر فرمودند  
که برای تبلیغ سفر ایران کند و در جمیع شهرها  
اعلاء کلمة الله را بنمود بعد صعود واقع شد  
بعد از صعود باد و پسرش میرزا عزیز الله و  
میرزا روح الله بعکا آمد و مدتی پیش من بودند  
بعد از عکامن امر کردم که بایران بروند و به تبلیغ  
مشغول گردند لهذا رفتند و در اینجا با علاء کلمة  
الله و نشر نجات الله ایام را میگذرانیدند  
تا آنکه بزنجان رسیدند در زنجان او را با پسرش  
روح الله که دوازده ساله بود گرفتند و در زیر  
زنجیر آوردند در حبس انداختند و باز زنجیر  
بطهران آوردند حبس کردند بعد در حبس  
خانه طهران آن دو نفس محترم را باشد عقوبات  
شهادت کردند این روح الله مادامی که در زیر  
زنجیر بود زنجیر را بلند میکرد و میبوسید و  
می گفت خدایا تو را شکر میکنم در سبیل تو این  
زنجیر را بر سر من گذاشتند خدایا تویی قادر  
و مهربان هر چند ظلم مرا ثابت و مستقیم بر امرت  
نما باری ان نفوس محترمه را در حبس شهادت  
کردند و حضرت روح الله در وقت شهادت  
فریاد میکرد " یا بھار الله " !  
حالا ان نفوس محترم دویا چکار برای ما گذارند  
یکی میرزا عزیز الله خان یکی هم این آقا میرزا ولی الله  
خان از میرزا ورقاء نفسی بود که مثل

# تَعْرِيفٌ

تاریخ، ابن مایه (فروزی) بشارت وصول حضرت مولانا عالم عبدالبهاء به پاریس تخریفاً با اینجاست

و نظری نداشت جوهر حجت الله بود در ساحت  
اندیس مقبول بود لهذا شما ذکر انقطاع و انقطاع  
انها بنماید علی الخصوص انقطاع از طفل بچه  
نوع پر از حجت الله بود بچه سرور و شغف روحنا  
جانفشانی کرد و بشهادت کبری فائز شد!

# لَوْحٌ مُّبَارَكٌ

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء از برای یکی از امامان  
الرحمن در آمریکا -

# مَلَكُوتُ الْبَارِئِينَ

تاریخ ۱۰ شهر جانوری ۱۹۱۳

بجز الله هیچکس مقدس حضرت محبوب جوهر کسوتی است  
اقدام اطهر الفداء در نهایت خوشی و صحت است و  
مخالف عدین هر روز منعقد میشود مردم فوج  
فوج بزیارت هیکل مقدس می آیند و جمعی هم از اجناس  
ایران مشرف هستند چند روز قبل به اذن بزرگ  
اسکاتلند تشریف فرما گشته در منزل رئیس کشیشها  
منزل فرمودند پنج روز در آنجا توقف فرمودند و شب  
و روز در مجالس عظاما بیانات مقدسه را مردم از  
هر طبقه استماع کردند و بی نهایت طالب شدند که بموجب  
عالم مبارکه عمل نمایند حتی بعضی مقدس شرف گشته  
استفاری نمودند که ما باید چه بکنیم که بهائی محسوب  
شویم بنام بازوی عبدالبهاء که علیاً بهاء الاظهر  
را در اعلا قلل آفاق برافراشت و خیمه وحدت عالم  
انسانی را بلند فرمود عنقریب جمیع ملل و ادیان  
مانند یک روح و جان در ظل آن خیمه مقدسه جمع آیند  
و در نهایت محبت و صفا با یکدیگر محشر بشوند  
(امضا) ولی الله و رفقاء

# هُوَ اللهُ

ای امیر الله عالم خاک بکوکب افلاک  
روشن کرد و مکن جان و دل انسان  
بیر توفیر اعظم نورانی شود فیضی  
از عالم ابدی باین جهان فانی رسید  
نفوس مقدسه را بجنب ملکوت ابعی  
کرد تشنگان را سلسیل حیات  
بخشد طالبان را بطلوب حقیقی  
رساند عاشقان را بلقای معشوق  
اللی فائز کرد چو کن خدا را که تو  
نیز مفتون آن دلبر آسمانی هستی  
وعلیک البراء الالهی  
عبدالبهاء عباس

# بُرْهَانَ الْأَمْعِ

تالیف حضرت آقا میرزا ابوالفضل در کتافارسی  
و انگلیسی از ادب این چهره بطبیب محبت

# جِبَالُ حَبْرٍ

اعتد و کلمه الله و اخبار سرور احب از شرق بغرب رسید